

سنجش رابطه‌ی میان محل سکونت و انحرافات اجتماعی (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین نهضت آباد و گلستان شهر اهواز)

سعید ملکی - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
نادیا داری پور* - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
زهرا سیاحی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۸

چکیده

حاشیه‌نشینی تجلی نابرابری اجتماعی - اقتصادی در زمینه عدم تعادل در توزیع متناسب امکانات و منابع جامعه است. توزیع امکانات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تمام مناطق کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه دارای توزیع یکسانی نیست و باعث مهاجرت و انتقال جمعیت از مناطق فقیر به مناطق برخوردار می‌گردد و حاشیه‌نشینی بوجود می‌آید و مشکلاتی را در فرایند شهرنشینی به وجود می‌آورد که یکی از عناصر منفی در شهرنشینی است. هدف این پژوهش بررسی و سنجش رابطه‌ی میان محل سکونت و انحرافات اجتماعی میان محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین می‌باشد. از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش شناسی توصیفی - تحلیلی است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران از میان جامعه‌ی آماری تحقیق که خانوارهای ساکن محله‌ی نهضت آباد (حاشیه‌نشین) و گلستان (غیر حاشیه‌نشین) است محاسبه گردیده، و به طور تصادفی ۳۰۰ نفر از محله‌ی نهضت آباد و ۳۲۰ نفر از محله‌ی گلستان مورد پرسش گری قرار گرفته‌اند. جهت آزمون فرضیه‌ها از روش آزمون مقایسه میانگین دو متغیر و واریانس دو طرفه در محیط SPSS استفاده گردیده است. نقشه‌ها با استفاده از نرم افزار ARC GIS ترسیم شده‌اند. میانگین انحرافات اجتماعی در محله غیر حاشیه‌نشین گلستان برابر ۱/۹۷ و در محله حاشیه‌نشین نهضت آباد برابر ۲/۱۵ می‌باشد با توجه به $(sig=+ / 01)$ و $(T=2/614)$ تفاوت میانگین معنی دار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان انحرافات اجتماعی در محله‌ی نهضت آباد بیش از محله‌ی گلستان می‌باشد. واریانس دو طرفه ارتباط متقابل میان محل سکونت، سطح تحصیلات و میزان درآمد را در میزان گرایش به انحرافات اجتماعی نشان می‌دهد.

واژه‌گان کلیدی: حاشیه‌نشینی، انحرافات اجتماعی، شهر اهواز، GIS

نحوه استناد به مقاله:

ملکی، سعید، داری پور، نادیا و سیاحی، زهرا. (۱۳۹۶). سنجش رابطه‌ی میان محل سکونت و انحرافات اجتماعی (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین نهضت آباد و گلستان شهر اهواز). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲ (۲)، ۳۰۱-۳۱۳.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_532882.html

مقدمه

برآوردهای آماری نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت جهان در کشورهای توسعه نیافته جای گرفته‌اند. تا ۵۰ سال آینده از هر ۱۰۰ نفر فقط ۱۲ نفرشان در کشورهای پیشرفته زندگی خواهند کرد (Salehi amiri et al, 2011: 14). تحولات نشأت گرفته از ظهور جوامع مدرن که با رشد سریع شهرنشینی همراه بوده است، به ظهور الگویی از شهری شدن در قالب پیدایش حاشیه‌ها منجر شده است. هر چند پیشینه حاشیه‌نشینی به درازای عمر شهرنشینی است (Naghdi, 2014: 90). حاشیه‌نشینی دارای ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری دارد (ghaderzade, 2014: 17). در این سکونتگاه‌ها علاوه بر فقر با مسائلی از قبیل ازدحام بیش از حد، مسکن، ناهنجاری‌های اجتماعی، آب ناسالم، نبود بهداشت که به شیوع بالای بیماری‌های عفونی به خصوص در بین کودکان منجر می‌شود که مرگ و میر آنان را در پی خواهد داشت (Olack, 2011: 358). مناطق حاشیه‌نشین با سطح بالای جرایم فردی و گروهی مواجه هستند و بسیاری از شهروندان این مناطق را تهدیدی برای کل شهر تلقی می‌کنند (Saberifar, 2009: 51). وجود مشاغل غیر رسمی، شیوع بیماری‌ها، جرم و جنایت و جدایی‌گزینی از شرایط متعارف شهری، از بارزترین ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین است که با سیمای نامتعارف و ناهنجار به شکل جزیره‌های فقر در شهرها نمایان شده‌اند (Rezaee et al, 2014: 192). یکی دیگر از مقوله‌های زمینه‌ساز جرائم در محیط‌های شهری به خصوص در شهرهای بزرگ، مزاحمت‌های خیابانی برای زنان و عابرین پیاده می‌باشد که نوع فضا و کاربری‌ها در این نوع کج روی‌ها و ناهنجاری‌های بسیار تاثیرگذار است. پیاده‌روهای تنگ در محل‌های موقت که در این پیاده‌روها توسط شهرداری‌ها در نظر گرفته می‌شود، به علاوه سد معبرهایی که توسط دست‌فروشان ایجاد می‌گردد، محل‌های مناسبی را جهت ارتکاب به بزهکاری و مزاحمت فراهم می‌آورند و گاهی حتی جان شهروندان را هم به خطر می‌اندازند. در بسیاری معابر امکان رفت و آمد بانوان حتی در ساعات اولیه شب هم وجود ندارد (Mirkatuli, 2009: 175). انحرافات اجتماعی آنانی هستند که ماهیت جمعی دارند و از علت یا منشأ اجتماعی برخوردارند. معمولاً این انحرافات از آن جهت بروز می‌کند که ساخت و سازمان اجتماعی موجود قادر به حل مسائل اجتماعی مطرح شده نیست. بدین سان انحرافات در زمره‌ی نتایج و آثار بی‌نظمی به شمار می‌روند و در رفتار اجتماعی گروه‌هایی که به رسمیت شناخته نشده‌اند و یا مسائل آنان به فراموشی سپرده شده است، تجلی می‌نماید (Mirashtiani, 2003: 42). مشکل مالکیت، وضعیت نامناسب مسکن، سیستم دفع فاضلاب و دسترسی‌ها از جمله مشکلات جدی حاشیه‌نشینان است (Zali et al, 2012: 89). میان جرم و شرایط اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد، به این شرح که هر چقدر شرایط اقتصادی در یک جامعه خوب باشد و شاهد شکوفایی اقتصادی باشیم، به همان نسبت هم میزان بزهکاری بیشتر خواهد شد (Rab et al, 2012: 155). بی‌توجهی به مناطق حاشیه‌نشین شهری به بهانه‌ی نگرانی از گسترش آن، هزینه‌ای به مراتب بیشتر در بر خواهد داشت و توسعه‌ی پایدار شهری از جنبه‌های زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در معرض تهدید قرار می‌گیرد (Movahed et al, 2011: 121). حاشیه‌نشینی به یک بیماری مزمن در خوزستان به ویژه کلان‌شهر اهواز مبدل شده است شکی نیست (Zoorman, 2008: 1). بی‌هویتی اعضای این خانواده را تهدید می‌کند و زمینه لازم را برای بروز انحرافات اجتماعی مانند فحشا، اعتیاد، بزهکاری و ... فراهم می‌آورد (Mirashtiani, 2003: 172). از هفت کلان‌شهر ایران در سال ۲۰۰۶ مشهد، اهواز و تهران به ترتیب در حاشیه‌نشینی سه مقام نخست را دارا بودند. مشهد و تهران با تدبیر مدیران شهری و برنامه‌ریزی مدرن تا سال ۲۰۱۰ بخش وسیعی از حاشیه‌نشینان را ساماندهی و مقام اول را به اهواز واگذار کردند. حاشیه‌نشینان اهواز کسانی هستند که هنگام جنگ از روستا و شهرهای خود رانده شده بودند یا به سبب خشکسالی به دنبال زندگی بهتر و شغل مناسب به شهرها کوچ کردند و در رقابت نا برابر در یافتن شغل مناسب، میزان درآمد و سواد رفته رفته به حاشیه‌نشینان شهر رانده شدند و این‌گونه گسست بزرگی ایجاد شد و این گروه از متن اصلی جامعه کنار گذاشته شدند و شروع به شهرسازی جدید کردند (Kabi, 2011: 1). شهر اهواز به عنوان

جزئی از یک کشور در حال توسعه به صورت رسمی و غیر رسمی در معرض پدیده حاشیه نشینی قرار گرفته است و دارای عدم تعادل جمعیتی و اقتصادی در نواحی حاشیه نشین قرار گرفته است (Amanpour, 2012: 2). شهر اهواز طی دهه های ۱۹۹۶، ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵، ۹۰ به ترتیب با نرخ رشدی معادل ۲، ۱/۳، ۱/۵، ۵/۵، ۳/۶ و ۳/۵ درصد بوده است که به طور متوسط رشد معادل ۴/۳ درصد در سال در ۴۰ سال گذشته گواه این امر می باشد (Statistical center of Iran, 2011). رشد سرسام آور جمعیت شهر اهواز به عنوان مرکز منطقه ای جنوب غرب کشور و هفتمین مادرشهر ایران و دومین شهر حاشیه نشین از نظر جمعیتی، دارای عواقب و تبعاتی چون محلات حاشیه نشین، کثیف، زورآبادها و... بوده، یکی از این محلات محله نهضت آباد است که دارای مشکلات و معضلات فراوانی است که طی چند دهه اخیر سلامتی، امنیت و رفاه اجتماعی این شهر را به چالش کشانده است. ضرورت تحقیق و اهمیت شناخت مسئله یا مشکل جهت برنامه ریزی صحیح نمایان شده تا بوسیله این شناخت به ارائه راه حل پرداخته و از گسترش بیشتر ناهنجاری های کالبدی و اجتماعی در شهر جلوگیری شود و مشکلات حاضر و آینده ناشی از این پدیده منفی نیز حل شود. در این راستا، فرضیه های تحقیق به شرح زیر مطرح می شود:

- بین کیفیت مسکن و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

- بین فقر فرهنگی و محل سکونت رابطه وجود دارد.

- بین فقر اقتصادی و محل سکونت رابطه وجود دارد.

مساله حاشیه نشینی مانند دیگر مشکلات شهری از دید پژوهشگران پنهان نمانده است و به روش های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است و حتی کمتر کتاب و یا نوشته ای در زمینه مسائل شهری می توان یافت که حداقل چند سطری را به این موضوع اختصاص نداده باشد. در ادبیات انگلیسی زبان بیشتر با عنوان حاشیه، حلبی آباد^۱ و... به این موضوع پرداخته اند. آبرامز^۲ نظریه پردازی است که در سال ۱۹۴۹ میلادی با تحقیقی با عنوان مسکن آینده^۳ که در نیویورک به چاپ رسید، معتقد است که علت ایجاد این مکان ها عبارت است از:

الف) وجود صاحب خانه هایی است که با قیمت بالا خانه های خود را عرضه می کنند.

ب) عدم توانایی مالی مهاجران.

پاول میدوز و افراین میرزوحی در تحقیقی با عنوان "شهرنشینی و تغییر: دیدگاه تطبیقی"^۴ در سال ۱۹۶۹ میلادی که توسط آدیسون وسکی^۵ منتشر شده، عدم برابری در سطح زندگی در شهر و روستا را عامل مهم حاشیه نشینی و هجوم برای زندگی بهتر به شهرها می دانند. در واقع این روستاییان به نوعی خود را با محیط جدید تطبیق نداده اند و بنابراین جذب حاشیه می شوند. از دیگر آثار خارجی مهم در این زمینه می توان آثار جان اف. ترنر^۶ نظریه پرداز مکتب لیبرال را نام برد. به عنوان نمونه، مقالات "سکونتگاهی شهری کنترل شده"^۷ (۱۹۶۷) ترنر به بحث مسکن تهیدستان و چگونگی تهیه آن اشاره می کند و به علل پیدایش مناطق حاشیه نشین نمی پردازد و معتقد است دولت ها نمی توانند برای تهیدستان مسکن تهیه کنند بلکه فقط باید تسهیلاتی مانند آب، برق و... را در اختیار تهیدستان شهری قرار دهند. دیکسوندر سال ۱۹۹۵ اسکان غیر رسمی را از پیامدهای توسعه ناهمسو و بد ریخت در نظام شهرنشینی دانسته است. دیکسون می نویسد بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند، فضاها و مناطقی که بستری گسترده از ساختارهای خرد و

1. squatter, slum
2. Abrams
3. the future of housing
4. Urbanization and change: comparative perspective
5. Addison-wesky
6. j.f. turner
7. Dixon

کلان ارتباطی، تعارضات اجتماعی و خشونت‌های سازمان یافته را ترسیم می‌نمایند بسیاری از مسائل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه ناشی از رشد و گسترش بدریخت نظام‌ها و فضاهای شهرنشین بوده است. پیتر و گیزوسکی در پژوهشی با عنوان شهرنشینی و خشونت در سال ۱۹۹۶ افزایش جمعیت در روستاها که سبب مهاجرت آن‌ها به شهرها می‌شود را عامل اصلی به وجود آمدن مناطق حاشیه‌ای در شهرها می‌داند، مناطقی که فاقد امکانات رفاهی موجود در شهرها هستند. پدیده حاشیه نشینی در ایران با شروع اصلاحات ارضی و رشد شهرنشینی از سال ۱۳۴۱ به بعد تشدید شد. رشد این پدیده در دهه ۱۳۴۰ به گونه‌ای بود که دستگاه حکومتی وقت، پژوهشگران را بر آن داشت تا برای پیشگیری و رفع آن چاره‌ای بیاندیشند. مهمترین این پژوهش‌ها که توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران در دهه ۱۳۵۰ صورت گرفت عبارتند از: حاشیه نشینان تهران ۱۳۵۰، کپرنشینان بوشهر ۱۳۵۱، حاشیه نشینان بندر عباس ۱۳۵۱، حاشیه نشینان همدان و کرمانشاه ۱۳۵۰، حاشیه نشینان اهواز ۱۳۵۱، حاشیه نشینان تبریز ۱۳۵۲، حاشیه نشینان کرمان ۱۳۵۴، بررسی جوامع حاشیه نشین در شهر شیراز ۱۳۵۵ و بررسی حاشیه نشینی و علل و نتایج آن در استان فارس ۱۳۵۵. کمال اطهاری و مینو رفیعی در تحقیق "حاشیه نشینی در ایران علل و راه حل‌ها" ضمن بررسی موضوع بافت‌های مسئله‌دار شهری، از ابعاد مختلف از حاشیه نشینی در جهان سوم تا حاشیه نشینان ایران پرداخته و در نهایت به ارایه پیشنهادها و راه حل‌ها در ارتباط با موضوع فوق پرداخته‌اند. در سال ۱۳۸۰ دکتر سعید زاهد زاهدانی پژوهشی تحت عنوان نظری اجمالی به حاشیه نشینی انجام داده‌اند، ضمن پرداختن به تاریخچه‌ای از مطالعات و پژوهش در این زمینه به تعریف حاشیه نشینی و ذکر دیدگاه‌های نظری راجع به چگونگی پیدایش پدیده مورد مطالعه می‌پردازد، او در ادامه به ارائه دیدگاه خود نسبت به چگونگی پیدایش بافت‌های مسئله‌دار شهری پرداخته و معتقد است که وجود ویژگی‌های نابرابری در تکنولوژی حاکم بر جامعه‌های علت پیدایش بافت‌های مذکور می‌باشد. فرانک سیف‌الدینی؛ در سال ۱۳۷۱ مطالعاتی انجام داده‌اند که در این اثر، نتایج مطالعه امکان‌سنجی برنامه ارتقاء سکونتگاه‌های غیر رسمی با دیدگاه شهر نگر است، جایی که معضل سکونتگاه‌های غیر رسمی بسیار گسترده و شدید است. نگارنده بیان می‌کند آنچه در بندر عباس اتفاق افتاده، نتیجه دو هجوم اصلی جمعیت به دلیل: ۱. انقلاب اسلامی و نبود کنترل در مقطع وقوع و ۲. خشکسالی شدید طی چند سال گذشته است. بیکاری و فقر در نواحی روستایی دو دلیل اصلی برای مهاجرت روستاییان به بندر عباس بوده است. اطهاری (۱۳۷۴) در مورد حاشیه نشینی در شهرها و آثار و پیامدهای آن توسط این شخص تحقیقی صورت گرفته که در این پژوهش نشان می‌دهد که تا زمانی که طرح‌های شهری نتواند کلیه اقشار اجتماعی جامعه شهری را پوشش دهد آن اقشار به طور طبیعی و در فرآیندی کم بیش خود به خودی، برنامه‌ریزی سکونت‌مطابق با توان خود را در پشت دیوارهای قانونی شهرها پی‌ریزی خواهند نمود و این آغاز حاشیه نشینی است. قرخلو (۱۳۸۳) در مورد پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه موردی: عین ۲ اهواز) مطالعاتی انجام داده‌اند که نشان می‌دهد بررسی الگوی بهره‌برداری از زمین در این محله نشان دهنده عدم تعادل شدید میان سرانه‌های وضع موجود و شاخص‌های استاندارد می‌باشد، به طوری که در برخی کاربری‌ها نظیر فضای سبز، این سرانه‌ها به حداقل رسیده‌اند و لذا هر گونه برنامه‌ریزی جهت توسعه این منطقه بدون ارتقاء سرانه‌های مذکور میسر نمی‌باشد. موحد (۱۳۸۸) به بررسی ابعاد اقتصادی - اجتماعی و کالبدی ۸ منطقه حاشیه نشین شهر اهواز پرداخته، این پژوهش در پی حل مشکلات این مناطق نه تنها در سطح محلی بلکه باید در برنامه‌های ملی و منطقه‌ای در نظر گرفته شود و دولت و نهادهای مسول باید از طریق برنامه اسکان کم درآمد، تدوین عمران شهری و ایجاد اشتغال مشکلات آنان را تخفیف دهند. در این راستا برنامه‌های ارتقاء زندگی شهری، کاهش فقر، توانمندسازی مناطق و مهار کردن رشد سرطانی زیستگاه‌های غیر رسمی، از اولویت‌هایی است که در توسعه محلی و شهری باید به آن پرداخته شود.

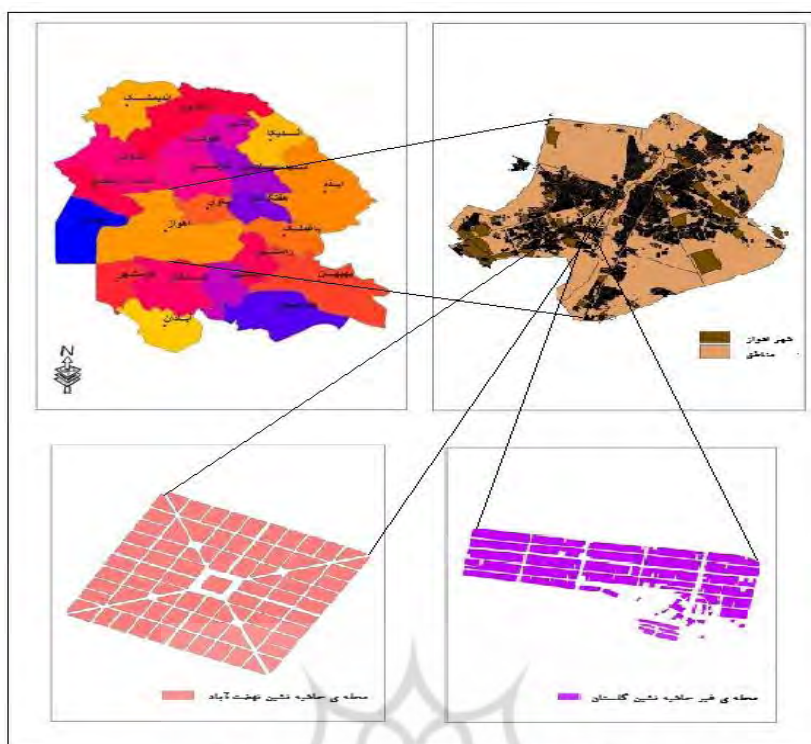
روش پژوهش

نوع تحقیق پیمایشی و تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) و پیمایشی استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده با سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۰۰ پرسش‌نامه برای محله حاشیه‌نشین نهضت‌آباد (با جمعیتی ۱۴۹۵۶ نفر) و ۳۲۰ پرسش‌نامه برای محله غیرحاشیه‌نشین گلستان (با جمعیت ۱۷۰۵۷ نفر)، محاسبه شده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS از روش‌های آماری توصیفی (جدول توزیع فراوانی) و آمارهای استنباطی (آزمون آماری t دو و واریانس دو طرفه) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. متغیرهای وابسته این تحقیق میزان گرایش به بزهکاری و متغیرهای مستقل شامل محل سکونت، سطح سواد و میزان درآمد می‌باشد. در ضمن ترسیم نقشه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS صورت گرفته است. محل سکونت: در سطح اسمی دو حالت اندازه‌گیری شده و گزینه‌ها شامل: حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین می‌باشد. سطح سواد: در سطح رتبه‌ای چند حالت اندازه‌گیری شده و گزینه‌ها و مقادیر آن‌ها شامل: بی سواد، خواندن و نوشتن، ابتدایی، راهنمایی، سیکل، دبیرستان، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و حوزوی می‌شود. درآمد: کمتر از ۱۵۰، ۱۵۰ تا ۳۰۰، ۳۰۰ تا ۴۵۰، ۴۵۰ تا ۶۰۰، ۶۰۰ تا ۷۵۰، ۷۵۰ تا ۹۰۰ و ۹۰۰ به بالا. ناهنجاری‌های اجتماعی در این تحقیق با استفاده از ۱۸ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای (خیلی زیاد تا خیلی کم) مورد سنجش قرار گرفته است.

محدوده مورد مطالعه

بر طبق سرشماری سال ۸۵ تعداد خانوارهای ساکن در نهضت‌آباد ۲۹۹۱ خانوار است که به دلیل سکونت ۸/۵ نفری خانوار در مسکن تنها ۱۷۶۰ خانه در مقابل ۲۹۹۱ خانوار وجود دارد. بالا بودن بعد خانوار و بالا بودن تعداد نفر در واحد مسکونی باعث افزایش بار تکفل و وابستگی می‌شود. همچنین به دلیل عدم استطاعت مالی ساکنین در اغلب منازل بیش از یک خانوار ساکن است. بیش از ۵۰ درصد خانوارها دارای تنها یک اتاق هستند، به دنبال آن، با توجه به رابطه زناشویی خانوارها و کمبود اتاق و فضای زندگی، مشکلات و ناهنجاری‌های زیادی در محله بوجود خواهد آمد، زیرا تراکم در اتاق، مهم‌تر از همه، افراد را دچار مشکلات و بیماری‌های عصبی و روانی می‌نماید (Movahed, 2006: 115). یکی از دلایل نامنی محله از دید ساکنین، وجود مشاغل غیر رسمی مانند مواد فروشی، مشروب فروشی و تردد و تجمع ارزان و اوباش و معتادین و نزاع‌های روزمره‌ای با سلاح گرم در اطراف این مراکز می‌باشد که همین عامل تهدیدی برای امنیت محله و تربیت کودکان و نوجوانان آن‌ها به شمار می‌آید.

اهواز با مساحت ۸۱۵۲ کیلومتر مربع بین ۴۸ درجه تا ۴۹ درجه و ۲۹ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۲ درجه عرض شمالی از خط استواء در جنوب غربی ایران واقع گردیده و مرکز استان خوزستان است (Hedayat ahvazi, 2011: 341). بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۱، جمعیت این شهر ۱۱۳۳۰۰۳ بوده است. شهر اهواز به ۸ منطقه تقسیم می‌شود. دو محله از منطقه ۴ که هر دو در ناحیه یک شهرداری اهواز واقع شده‌اند و یکی به عنوان حاشیه‌نشین (نهضت‌آباد) و دیگری به عنوان غیرحاشیه‌نشین (گلستان) برای این پژوهش در نظر گرفته شد. منطقه حاشیه‌نشین دارای ۲۵۶۸۲ نفر جمعیت و محله گلستان ۲۷۴۹۷ نفر جمعیت می‌باشند. در این پژوهش با توجه به حجم جامعه و واریانس محاسبه شده برخی از متغیرهای مهم تحقیق در مرحله پیش‌آزمون، از فرمول کوکران برای برآورد حجم نمونه استفاده شد. با توجه به حجم جامعه آماری محلات نهضت‌آباد و گلستان که به ترتیب برابر ۳۰۰ و ۳۲۰ نفر می‌باشند. به منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه‌های تحقیق، مناسب‌ترین روش با توجه به استفاده از طیف ۵ درجه‌ای لیکریت، میانگین آلفای کرونباخ در دو محله ۰/۷۶۱ بدست آمد که اعتبار و روایی پرسش‌نامه‌ها را صدق می‌کند.



شکل ۱. موقعیت شهر اهواز در استان خوزستان - موقعیت محلات در شهر اهواز

یافته‌ها و بحث

با توجه به نتایج به دست آمده، در مورد ویژگی‌های نمونه مورد بررسی ۶۷/۹ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۳۲/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۳/۷ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۰/۲ درصد راهنمایی، ۱۰/۶ درصد دبیرستان، ۳۹/۲ درصد دیپلم، ۶/۵ درصد فوق دیپلم، ۳۵/۵ درصد لیسانس و ۴/۴ درصد فوق لیسانس می‌باشند. ۵۶/۶ درصد از پاسخ‌گویان بومی و ۴۳/۴ درصد غیر بومی (کرد، ترک و اصفهانی) هستند. از نظر اشتغال، ۵۱/۸ درصد شاغل، ۱۷/۳ درصد بیکار، ۱/۱ درصد در جستجوی کار، ۳/۵ درصد محصل، ۱۳/۲ درصد دانشجو، ۶/۹ درصد دارای درآمد، ۱/۲ درصد خانه دار و ۴ درصد سایر مواردند. از نظر درآمد، ۲۰/۲ درصد کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، ۱۷/۷ درصد بین ۱۵۰ الی ۳۰۰ هزار تومان، ۹ درصد بین ۳۰۰ الی ۴۵۰ هزار تومان، ۱۲/۹ درصد میان ۴۵۰ الی ۶۰۰ هزار تومان، ۲۶/۵ درصد بین ۶۰۰ الی ۷۵۰ هزار تومان، ۰/۵ درصد میان ۷۵۰ الی ۹۰۰ هزار تومان و ۱۳/۲ درصد ۹۰۰ هزار تومان به بالا می‌باشند. در جدول (۱) توزیع فراوانی و درصد گرایش به انحرافات اجتماعی در دو محله مورد مطالعه ذکر شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی گرایش به انحرافات اجتماعی در محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین

گویه	حاشیه نشین			غیر حاشیه نشین		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
مصرف سیگار	۱۷	۷۲/۷	۱۰/۳	۶۷/۸	۸/۴	۲۳/۸
مصرف مواد مخدر	۵۳/۷	۹/۷	۳۶/۷	۵۹/۷	۲۶/۳	۱۴/۱
تخریب اموال عمومی	۸۶/۳	۸/۳	۵/۳	۵۶/۶	۲۶/۶	۱۶/۹
مصرف مشروبات الکلی	۳۶/۷	۱۱	۵۲/۳	۳۰/۳	۴۱/۶	۲۸/۱
مزاحمت در محله	۶۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۶۳/۴	۲۳/۴	۱۳/۱
خارج ماندن از منزل تا نیمه شب	۵۲/۳	۱۶/۷	۳۱	۳۰	۳۹/۷	۳۰/۳
شرط بندی و قمار بازی	۵۸/۷	۱۱	۳۰/۳	۶۸/۴	۱۳/۴	۱۸/۱
دزدی و سرقت	۲۴/۷	۱۱	۶۴/۳	۵۹/۱	۳۱/۹	۹/۱
خرید و فروش مواد مخدر	۱۹/۷	-	۸۰/۳	۶۰	۶/۹	۲۳/۱
خرید و فروش اقلام غیر اخلاقی	۶۵	۱۲/۷	۲۲/۳	۴۴/۷	۳۳/۴	۲۱/۹
رعایت حقوق دیگران	۴۰/۳	۵۷/۳	۲/۳	۱۹/۷	۳۸/۸	۴۱/۶
نزاع و درگیری	۶۲/۳	۱۴/۳	۲۳/۳	۳۴/۴	۳۷/۸	۲۷/۸
وقوع جرم از غروب تا شب	۵۰/۳	۲۹	۲۰/۷	۳۴/۷	۵۸/۸	۶/۶
وقوع جرم در روز	۱۵/۳	۵۶	۲۸/۷	۸/۱	۴۲/۲	۴۹/۷
رعایت قوانین جامعه	۶۵	۷	۲۸	۲۷/۵	۳۳/۱	۳۹/۴
جغل و کلاهبرداری	۴۶/۳	۱۱	۲۴/۷	۴۵/۶	۳۴/۷	۱۹/۷
فحاشی و کلمات رکیک	۳۹/۷	۱۶/۷	۴۳/۷	۲۶/۳	۴۷/۵	۲۶/۳
میزان استفاده از ماهواره	۳۱/۳	۲۹/۳	۳۹/۳	۲۰/۳	۴۳/۴	۳۶/۳

از ترکیب ۱۸ گویه انحرافات اجتماعی، متغیر انحرافات اجتماعی حاصل شده است. در جدول (۲) توزیع درصد پاسخ-گویان به تفکیک حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین مشاهده می‌شود. ۳۰/۳ درصد از پاسخ‌گویان اعتقاد داشتند که در مناطق حاشیه نشین انحرافات اجتماعی با گزینه زیاد وجود دارد. در حالی که در مناطق غیر حاشیه نشین، این مقدار تنها ۱۸/۱ درصد را شامل می‌شود. در نتیجه میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین بیش از مناطق غیر حاشیه نشین می‌باشد.

جدول ۲. توزیع فراوانی گرایش به انحرافات اجتماعی در محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین

ابعاد	حاشیه نشین			غیر حاشیه نشین		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
انحرافات اجتماعی	۵۸/۷	۱۱	۳۰/۳	۶۸/۴	۱۳/۴	۱۸/۱

فرضیه اول: میان محل سکونت پاسخ‌گویان و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای اثبات معناداری تفاوت‌های انحرافات اجتماعی در دو محله مورد بررسی (گلستان و نهضت‌آباد) از روش آزمون مقایسه میانگین دو متغیر^۱ استفاده شده است. از این آزمون برای مقایسه میانگین‌های دو نمونه مستقل از داده‌های کمی استفاده می‌شود. با توجه به مقادیر جدول (۳) نشان می‌دهد، میانگین انحرافات اجتماعی در محله غیر حاشیه نشین گلستان برابر ۱/۹۷ و در محله حاشیه نشین نهضت‌آباد برابر ۲/۱۵ می‌باشد. با توجه به $(\text{sig}=0/01)$ و $(T=2/614)$ تفاوت میانگین معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان انحرافات اجتماعی در محله نهضت‌آباد بیش از محله گلستان می‌باشد.

جدول ۳. آزمون برابری میانگین‌های انحرافات اجتماعی و حاشیه نشینی

ابعاد	میانگین		مقدار T محاسبه شده	درجه آزادی	معناداری	اثبات فرضیه‌ها
	حاشیه نشین	غیر حاشیه نشین				
انحرافات اجتماعی	۲/۱۵	۱/۹۷	۲/۶۱۴	۲۵۴	۰/۰۱	تأیید فرضیه

فرضیه دوم: بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شده است. محل سکونت و تحصیلات بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۴).

جدول ۴. تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، تحصیلات و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	تحصیلات	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۱۵	۳۰۰	بی سواد	۲/۶۶	۲۵
			سیکل	۲/۲۳	۳۷
غیر حاشیه نشین	۱/۹۷	۳۲۰	دیپلم	۱/۶۵	۱۱۱
			فوق دیپلم	۱/۴۸	۳
			لیسانس و بالاتر	۱/۱۹	۱۱۶
منبع تغییرات	درجه آزادی		متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری
اثر محل سکونت	۱		۹/۲۴	۵۶/۷۷	۰/۰۰۱
اثر سطح تحصیلات	۶		۲/۰۰	۳۱۰/۶۰	۰/۰۰۳
اثر متقابل محل سکونت و سطح تحصیلات	۲		۲/۹۲	۲۳/۰۱	۰/۰۰۲

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ($F = ۵۶/۷۷$ و $sig = ۰/۰۰۱$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (نهضت آباد و گلستان) متفاوت است. محله حاشیه نشین نهضت آباد با میانگین ۲/۱۵ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. از طرف دیگر، اثر اصلی سطح تحصیلات ($F = ۳۱۰/۶۰$ و $sig = ۰/۰۰۳$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار نیست. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح تحصیلات مختلف تفاوتی ندارد. محل سکونت و سطح تحصیلات نیز دارای اثری متقابل‌اند. یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت معنی‌دار ($F = ۲۳/۰۱$ و $sig = ۰/۰۰۲$) است. به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط در نقاط مختلف با سطح تحصیلات مختلف متفاوت است.

فرضیه ۳: بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شده است. از این آزمون به منظور بررسی اختلاف میانگین چند جامعه آماری استفاده می‌شود. محل سکونت و میزان درآمد بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت.

جدول ۵. محل سکونت و میزان درآمد بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	درآمد به هزار تومان	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۱۵	۳۰۰	کمتر از ۱۵۰	۲/۴۵	۱۰۳
			۱۵۰-۳۰۰	۲/۹	۳۸
غیر حاشیه نشین	۱/۹۷	۳۲۰	۳۰۰-۴۵۰	۲/۴	۲۴
			۴۵۰-۶۰۰	۲	۷۴
			۶۰۰ و بیشتر	۱/۶۴	۱۲۸
منبع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	مقدار F	معنا داری	
اثر محل سکونت	۱	۱/۴۷	۳۳/۹۶	۰/۰۰۱	
اثر سطح درآمد	۶	۱/۷۵	۳۳۳/۰۷	۰/۰۰	
اثر متقابل محل سکونت و سطح درآمد	۵	۲/۰	۲۶/۵۳	۰/۰۰	

همان طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، اثر اصلی متغیر محل سکونت ($F=۳۳/۹۶$ و $sig=۰/۰۰۱$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (نهبضت آباد و گلستان) متفاوت است. محله حاشیه نشین نهبضت آباد با میانگین $۲/۱۵$ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر درآمد ($F=۳۳۳/۰۷$ و $sig=۰/۰۰۰$) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح درآمدی مختلف متفاوت است. به طوری که سطوح درآمدی کمتر از ۱۵۰ و ۱۵۰ الی ۳۰۰ هزار تومان به ترتیب $۲/۴۵$ و $۲/۹$ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. محل سکونت و سطح درآمد نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح درآمد و تأثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است ($F=۲۶/۵۳$ و $sig=۰/۰۰۰$). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و سطح درآمدی مختلف متفاوت است.

نتیجه گیری

در این پژوهش ارتباط محل سکونت با ناهنجاری‌های اجتماعی، میزان درآمد و سطح تحصیلات در دو محله حاشیه نشین نهبضت آباد و غیر حاشیه نشین گلستان مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از تحلیل SPSS، روش آزمون مقایسه میانگین دو متغیر، فرضیه اول مبنی بر وجود ارتباط معنا دار میان محل سکونت و ناهنجاری‌های اجتماعی، فرضیه مذکور را به اثبات رساندیم. از دیدگاه نظری، سابقه نگاه علمی به موضوع ناهنجاری‌های اجتماعی در ارتباط با محیط شهری برای نخستین بار به مکتب جامعه شناسی شیکاگو بر می‌گردد. دانشمندان این مکتب، ناهنجاری‌های اجتماعی را در محیط‌های شهری با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف شهر مورد بررسی قرار داده‌اند. اندیشمندان دریافته‌اند مکان، انسان و زمان سه عنصر اصلی شکل‌گیری کج روی‌های اجتماعی است. بنابراین تفاوت در ساختار مکانی، خصوصیات رفتاری در کنار زمان موجب می‌شود تا توزیع فضایی، زمانی نوع و میزان ناهنجاری‌ها در سطح شهر یکسان نباشد و در برخی محدوده‌ها به دلیل ویژگی‌های مکانی حاکم بر آن و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین آن ارتکاب به ناهنجاری‌های اجتماعی بیشتر باشد. بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعه قرخلو، یکی از عوامل هم در ایجاد ناهنجاری و انحراف افراد حاشیه‌نشین به سوی رفتارهای پر خطر می‌گردد، عدم توجه به عامل سرانه و اختصاص دادن زمین‌های کافی برای فعالیت‌های روزانه افراد است. لذا عدم تعادل شدید میان سرانه‌های وضع موجود و شاخص‌های استاندارد می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد در انتخاب مکان ناهنجاری‌های اجتماعی

اغلب منطقی عمل نموده، به دنبال کم خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط برای ناهنجاری‌ها هستند. میزان میانگین انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین نهضت‌آباد (۲/۱۵) بیش از محله غیر حاشیه نشین گلستان (۱/۹۷) می‌باشد. بر اساس پژوهش انجام شده توسط موحد و همکاران (۲۰۱۰)، تنوع، تجمل و اختلاف شم‌گیر طبقات اجتماعی مردم اهواز، گرانی و هزینه‌های سنگین زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیر متخصص دست به اشتغال غیر رسمی، کارهای پست و غیر قانونی بزنند. لذا با بررسی انحرافات اجتماعی در فرضیه دوم پژوهش حاضر با استفاده از روش واریانس دو طرفه تأثیر متقابل محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون واریانس دو طرفه نیز برای متغیرهای مذکور رابطه معنادار آن‌ها را تأیید می‌کند ($\text{sig} = ۰/۰۰۲$ و $F=۲۳/۰۱$). با توجه به مطالعه دیکسون در سال ۱۹۹۵، بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در مناطق حاشیه‌نشین کشورهای در حال توسعه را ناشی از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت نظام شهرنشینی دانسته است. در فرضیه سوم نیز با استفاده از روش واریانس دو طرفه به وجود ارتباط معنا دار میان متغیر درآمد با انحرافات اجتماعی پی بردیم ($\text{sig} = ۰/۰۰$ ، $F=۲۶/۵۳$). میانگین متغیر سطح تحصیلات و میزان درآمد نشان دهنده وضعیت مطلوب تر در محله غیر حاشیه نشین نسبت به محله حاشیه نشین می‌باشد. از جمله راهکارهای ارائه شده در جهت کم کردن مشکلات حاشیه نشینی اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کوتاه مدت مبتنی بر تغییر شرایط زیست و سکونت حاشیه نشینان از طریق مشارکت دادن نیروهای کار حاشیه نشینان در برابر دستمزد عادلانه در ساختن واحدهای مسکونی انگیزه و اهرمی برای تغییر شرایط زندگی آنان گردد. همزمان با این امر زمینه تغییر شرایط اقتصادی زندگی حاشیه نشینان نیز فراهم آید. حاشیه نشینان به دلیل فقدان مهارت‌هایی که در اقتصاد شهری وجود دارد، مجهز به مهارت‌های مورد استفاده در بخش کشاورزی هستند. بدیهی است که می‌توان پذیرفت، این گروه برای انجام فعالیت‌های غیر قانونی، تکدی، فحشا و از این قبیل آمادگی بیشتری داشته و آسیب پذیر می‌باشند. توجهی که دولت می‌تواند در این زمینه مبذول دارد، از راه کار آموزشی حاشیه نشینان است. آموزش‌های مهارت‌های مورد نیاز بازار کار شهر از طریق صندوق کار آموزش یا از طریق بخش خصوصی و واحدهای صنعتی حاشیه نشینان را آماده می‌سازد. با افزایش سطح اشتغال در میان افراد بیکار به دلیل نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یک سو و فشارهای اجتماعی و روانی مرتبط بر این امر از سوی دیگر، می‌توان از خنثی‌سازی افکار نادرستی که ذهنشان خنثی می‌کند و رفتارهای بزهکارانه و ارتکاب جرایم اجتماعی را نتیجه می‌دهد، جلوگیری کرد. برای مقابله با سطح اندک تحصیلات و بی سوادی ساختن مؤسسات آموزشی نظیر دبستان، راهنمایی، دبیرستان با رعایت شعاع عملکرد پیشنهاد می‌شود. ضمن اینکه دولت با تقویت نظارت اجتماعی رسمی و غیر رسمی در مناطق حاشیه نشین و بسط عدالت توزیعی و رفع تبعیض‌ها و محرومیت‌زدایی از طریق تخصیص بهینه و عادلانه منابع ارزشمند به این مناطق تا حدود زیادی می‌تواند میزان انحرافات اجتماعی در این مناطق را پایین بیاورد.

References

- Amanpour, s., & Zarifi, K. (2012). Economic aspects of marginalization in Ahvaz. conference planning and urban management, Mashhad. (In Persian)
- Ghader zade, H. (2014). Sustainable urban development and the marginalization, (Case Study: Baneh). the sixth national conference of planning and urban management, Mashhad. (In Persian)
- Hedayat ahvazi. (2011). *Ahvaz from the perspective of historians*. the written media publications. (In Persian)
- Kabi, M. (2001). *Marginalization of wounds on the body of Ahvaz*, No. 1285, East newspaper. (In Persian)

- Movahed, Ali. (2010). Social and cultural aspects worn texture of Ahvaz (Case study: movement Abad district). Congress of urban distressed areas, the prospects for sustainable development, values and challenges, 113-1120. *(In Persian)*
- Naghdi, A.A., & sadeghi, A. (2014). Marginalization challenge for sustainable urban development with an emphasis on Hamadan. *Journal of Social Welfare*, 5 (20), 213-233. *(In Persian)*
- Movahed, A. (2011). Functional approach to sustainable urban neighborhood renewal, marginalized, Case Study: Neighborhood Saadi Shiraz. *Human Geography Research*, 45 (1), 105-122. *(In Persian)*
- Olack, B. (2011). Nutritional Status of Under-five Children Living in an Informal Urban Settlement in Nairobi, Kenya, ISSN 1606-0997,\$5.00+0.20,Kenya. *Medical Research Institute, NUTR*, Aug, 29 (4), 357-363.
- Rezaee, M.R., & kamandari, M. (2014). Analyzing the causes of the formation of squatters in the city of Kerman, sample CDs and Hassan districts. *spatial planning (Geography)*, 4 (4), 196-179. *(In Persian)*
- Salehi Amiri, S.R., & Khadaee, Z. (2011). *Marginalization and informal settlements*. Phoenix Publishing. *(In Persian)*
- Statistical Center of Iran. (2011). *Khuzestan Province Statistical Yearbook*. *(In Persian)*



How to cite this article:

Maleki, S., Daripour, N. & Sayahi, Z. (2017). On the Measurement of the Relationship between Residence Place and Social Delinquencies (Case study: Marginalized and Non- Marginalized Neighborhoods of Nehzatabad and Golestan in Ahwaz City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 12 (2), 301-313.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_532882.html



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

On the Measurement of the Relationship between Residence Place and Social Delinquencies (Case study: Marginalized and Non- Marginalized Neighborhoods of Nehzatabad and Golestan in Ahwaz City)

Saeed Maleki

Associate professor, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran

Nadia Daripour*

M.A in Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran

Zahra Sayahi

Ph.D. Candidate, Geography & Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 18/01/2016

Accepted: 23/08/2017

Extended Abstract

Introduction

Marginalization is the manifestation of social-economic inequality related to lack of balance in appropriate distribution of social facilities and resources of the society. The distribution of economic, social and political facilities is not balanced in all regions of the countries, especially in developing ones and causes migration and transfer population from poor to enjoyed areas, so this situation creates marginalization and creates problems in the process of urbanization which is considered as a negative element in urbanization. Marginalization has different social, economic and cultural dimensions and has lots of personal and social consequences. Disregard urban marginal areas with the excuse of worrying about its development will cost much more than ever and sustainable urban development is threatened from environmental, social, cultural and economic points of view. Ahwaz with an area around 8152 square kilometers between 48 degrees to 49 degrees and 29 minutes east longitude from Greenwich meridian and 30 degrees and 45 minutes to 32 degrees of north latitude from the equator is located in Iran's southwestern and is the center of Khuzestan province. According to census of 2011, the population of this city was 1,133,003 members. Ahwaz has been divided into 8 regions which both are located in the district one of Ahwaz municipality, which one of them is considered as marginalized neighborhoods (Nehzatabad) and the other as non-marginalized's (Golestan) for this study. The population of neighborhood and Golestan regions are 25682 and 27497, respectively. In this study, according to the sample size and calculated variance, some of the important variables of the research, the Cochran formula was used to estimate sample size in pre-test phase. Given the sample size, Nehzatabad and Golestan neighborhoods had 300 and 320 members, separately.

Methodology

Data was collected through questionnaire. Using Cochran formula, sample size was measured with a confidence level of 95%. Next, 300 questionnaires and 320 questionnaires were distributed among Nehzatabad marginalized neighborhood (with 14956 population) and also Golestan non-marginalized neighborhood, respectively. Data were analyzed by SPSS software using descriptive statistical methods (Frequency Distribution Table) and inferential statistics

* Corresponding Author:

Email: nadia.daripour@gmail.com

(T2 test and two-way variance). The dependent variables of this study are tendency to delinquency and independent variables such as residence place, education and income level. Meanwhile, maps were made using ARC GIS software. Residence Place Level: in the nominal level, two states were measured and options included marginal's and non-marginal's. Literacy Level: it is measured in the multimode ranked level and options and values included the illiterate individuals, reading and writing skills, elementary, secondary, cycle, high school, diploma, associate degree, bachelor, master, doctoral and seminary degree holders. Income Level: less than 150, 150 to 300, 300 to 450, 450 to 600, 600 to 750, 750 to 900 and higher than 900. Social Anomalies: In this study 18 items with 5 options (Very High to Very Low) were analyzed.

Results and discussion

According to the results obtained, 67.9% men and 32.1% women respondents were of the characteristics of the sample size. Of this sample size, 3.7%, 2.0%, 10.6%, 39.2%, 6.5% 35.5%, 4.4%, 56.6% and 43.4% persons had reading and writing skills, secondary, high school, diploma, associate degree, bachelor and master holders, respectively. 56.6% of the respondents were natives and 43.4% were non-natives (Kurds, Turks and Isfahani). In terms of employment, 51.8%, 17.3%, 1.1%, 3.5% 13.2%, 6.9%, 1.2%, 4% of the respondents were employed, looking for job, student, university student, income holders, housewives and other cases participants separately. In terms of income, 20.2% less than 150.000 Tomans, 17.7% between 150.000 and 300.000 Tomans, 9.0 % between 300.000 and 450.000 Tomans, 12.9% between 450.000 and 600.000 Tomans, 26.5% between 600.000 and 750.000 Tomans, 5.0% between 750.000 and 900.000 Tomans and 13.2% were higher than 900.000 Tomans. To prove the significance of the differences in social deviations in the two neighborhoods examined (Golestan and Nehzatabad), the comparison test method for the mean of two variables were used. This test is used to compare the mean of two independent samples of quantitative data. The mean of social deviations is 1.97 and 2.15 in the Golestan non-marginalized and Nehzatabad marginalized neighborhoods, correspondingly. Given $GIS=0.01$ and $T=2.614$, means are significantly different. Therefore it could be concluded that the level of social delinquencies in the Nehzatabad neighborhood is more than Golestan neighborhood.

Conclusion

Based on the results obtained from the study of Gharakhlu, one of the factors that causes anomaly and delinquency toward high risk behaviors in marginalized people is not paying attention to the per capita factor and allocating enough space for daily activities of individuals. Therefore, there is a severe imbalance between the existing per capita and standard indexes. Researches show that individuals often act rationally in choosing location of social anomalies and they look for the least risky and suitable opportunities and conditions for anomalies. The mean (2.15) of social delinquencies in the Nehzatabad marginalized neighborhood is more than the mean (1.97) of Golestan non-marginalized neighborhood. Given $GIS=0.01$ and $T=2.614$, means are significantly different. Therefore it could be concluded that the level of social delinquencies in the Nehzatabad neighborhood is more than Golestan neighborhood. The two-way variance shows the relationship between residence place, education and income level in tendency toward social delinquencies. 30.3 % of the respondents believed that there was a great deal of social delinquencies in marginalized regions. While in non- marginalized regions it was 18.1%. So, the level of tendency toward social delinquencies in the marginalized regions is more than non-marginalized regions.

Key Words: Marginalization, Social delinquencies, Ahvaz City, GIS